

بی تعهدی مرد به کارش او را راهی دادگاه خانواده کرد

استعفا از زندگی مشترک



عکس تزئینی است

نسرين وقتي ديد شوهرش در هيچ شغل ثابتي ماندگار نيست و مرتب استعفا مي دهد، تصميم گرفت به زندگي مشترکش براي هميشه پايان دهد. حسين پنج بار از پنج شغل مختلف

استعفا داده بود اما هرگز تصور نمي کرد که اين استعفاها زندگي مشترکش را تحت تاثير قرار دهد. اين زن و شوهر هفته گذشته کارشان به جدايي و دادگاه خانواده کشيد.

زن جوان وقتي در مقابل قاضي دادگاه خانواده تهران قرار گرفت درباره ماجرای زندگي اش به قاضي گفت: دو سال بيشتر نيست که با حسين ازدواج کرده ام اما در اين مدت متوجه شدم که او مرد تنوع طلب و بي مسؤوليتي است چون در هيچ کدام از کارها و شغل هایش ماندگار نيست و سر هر کاری مي رود مرتب ايراد مي گيرد و بعد از مدت کوتاهی استعفا مي دهد.

شوهرم حسابدار است اما نمي تواند جای ثابتی بماند. تا الان پنج شغل مختلف برایش پيدا شده و هر بار مدتی سر کار رفته اما تا می خواهد در آنجا ثابت شود و زندگي مان کمی تکان بخورد، استعفا می دهد. اولين بار وقتي به خانه آمد و گفت که استعفا داده با او همدردی کرده و گفتم حتما بايد اين کار را انجام می داده است. هميشه سعی کردم حامی او باشم و غر نزنم و هر بار سعی کردم او را درک کنم ولی اين اتفاق مدام تکرار شد.

با بدبختی و کلی سختی به اين درو آن در می زدیم تا

شغل مناسب براي ش پیدا شود و وقتي پیدا می شد، کلی ذوق می کردم اما هر بار در نهايت پنج يا شش ماه سرکار می ماند. بعد از آن هم موضوعی را بهانه می کرد و از کارش استعفا می داد و دوباره بيکاري و سختی هايمن هم شروع می شد. تا اینکه آخرين بار پدرم او را به جایی معرفی کرد و حسين سر کار رفت. او ایل می گفت راضی ام. من هم خیلی خوشحال بودم اما به سه ماه نکشيد که غرزدن هایش شروع شد. اين که فلانی بد رفتاری می کند، حقوقم پايين است و هزار بهانه ديگر. بعد هم دوباره استعفا داد.

اين بار ديگر کوتاه نیامدم و سر همين موضوع دعوایمان شد و تصميم گرفتم برای هميشه از اين مرد بی مسؤوليت جدا شوم. او حاضر نيست به خاطر زندگي مان سختی های کار را تحمل کند و هميشه به فکر رفاه خودش است و فکر تصور می کند بايد رئيس باشد و بقيه از او اطاعت کنند؛ در صورتی که در هيچ محيط کاری چنين نيست.

در ادامه شوهر اين زن نيز به قاضي گفت: آقای قاضي من بدشانسی می آورم و همسرم مرا درک نمی کند. من کار آزاد داشتم اما ورشکسته شدم. از آنجایی که کار حسابداري هم بلد بودم تصميم گرفتم در شرکت کار کنم ولی هر بار سر هر کاری که رفتم همه چیز خراب می شد. یک بار به من توهين کردند، یک بار از من خواسته های بيجا داشتند. خلاصه هر بار شرايط جوری می شد که مجبور بودم رفتن را انتخاب کنم اما همسرم به جای اين که مرا درک کند،

درک متقابل داشته باشیم

سارا شفاقی، روان شناس در اين خصوص می گوید: زندگي مشترک نیازمند به اجرا درآوردن مهارت های زناشویی است. بايد اين مهارت ها را اجرا کرد تا زندگي مشترک را پايدار نگه داشت و حفظ کرد. در اين ميان درک متقابل زوج ها از مهم ترين مواردی است که در صورت رعایت کردن آن می توان از بسياری مشکلات پيشگيري کرد. داشتن همدلی لازم در اين باره اهميت دارد و اين همدلی زمانی می تواند به خوبی انجام شود که افراد بتوانند هيجانات خود مثل خشم و عصبانيت را به خوبی کنترل کنند. اکثر زوج ها زمانی دچار مشکل می شوند و نمی توانند رابطه خود را نجات دهند که نسبت به هيجانات خود آگاه نباشند و عصبانيت بين آنها رايج باشد. به همين دليل برای اين که در طول زندگي مشترک بتوانند قدم های محکمی بردارند بايد به اين مسائل توجه کافی شود. زمانی که زوج ها نسبت به درک متقابل يکديگر شناخت نداشته باشند به احتمال زياد به اختلال های افسردگی و اضطراب مبتلا می شوند. همچنين اين زوج ها با هم دچار اختلافات بسيار زيادی شده و در نهايت ممکن است کارشان به طلاق يا جدایی عاطفی بکشد. برای همين بهتر است که زن و شوهرها مهارت های زندگي را پيش از ازدواج بدانند و در طول زندگي مشترک نيز نسبت به درک متقابل يکديگر آگاه باشند تا با مشکلات و اختلافات زيادی مواجه نشوند.

شروع کرد به غرزدن و توهين. من هم ديگر نمی توانم اين زن خود خواه را تحمل کنم. او مرا درک نمی کند و حتما در آينده با مشکلات و اختلافات زيادی مواجه می شويم. يک مرد دوست دارد محيط خانه برايش همراه با آرامش باشد اما او با غرزدن هایش مرا از خانه فراری داده و ديگر نمی دانم چه کنم.

در پايان نيز قاضي سعی کرد اين زوج را از جدایی منصرف کند ولی وقتي اصرار آنها را ديد رسيدگی به اين پرونده را به جلسه آينده موکول کرد.

سناریوسازی برای فرار از مجازت قتل زن جوان

يکباره فرهاد با گلدان به سر زن جوان کوبيد. حنانه بيهوش روی زمين افتاده بود که دو ستم او را خفه کرد. جسدش را لای پتو پيچيد و آن را در حاشيه بيايان های تهران رها کرد.

پس از اين اعترافات و با راهنمایی نوید، ماموران راهی محل دفن جسد شدند و توانستند پيکر مقتول را پيدا کرده و برای تشخيص علت مرگ به پزشکی قانونی انتقال دهند. پس از اظهارات اين متهم، تلاش برای ردیابی فرهاد آغاز شد اما پليس دريافت فرهاد وجود خارجی ندارد و ساخته ذهن نوید است.

با افشای اين ماجرا، نوید به پزشکی قانونی منتقل و کارشناسان پس از معاينات بالینی اعلام کردند وی جنون ندارد و در برابر رفتارش مسؤوليت دارد. به اين ترتيب و در حالی که روشن شده بود نوید با دروغوبی سعی داشته پليس را گمراه کند، برای او کيفرخواست صادر و پرونده اش برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کيفری يک استان تهران فرستاده شد. در حالی که اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کرده اند، قرار است او به زودی محاکمه شود.

مرد جوان که با شخصيت پردازی قصد داشت از مجازات قتل زن جوان فرار کند، با افشای دروغ پردازی هایش به زودی محاکمه می شود.

به گزارش تيش، رسيدگی به اين پرونده از او ايل سال گذشته و به دنبال ناپديد شدن زنی به نام حنانه آغاز شد. مادر حنانه با مراجعه به پليس تهران با طرح شکایتي گفت: دخترم بعد از جدایی از همسرش به تنهایی زندگي می کرد. اغلب روزها با هم در ارتباط بوديم. از چند روز قبل ارتباط او با من قطع شد و نگرانش هستم. می ترسم بلایي سر دخترم آمده باشد.

ماموران با بررسی گوشی تلفن همراه حنانه به مردی ۳۲ ساله به نام نوید رسيدند و او را بازداشت کردند. نوید در تحقیقات منکر اطلاع از سرنوشت حنانه شد اما وقتی ماموران گوشی تلفن همراه زن جوان را در خانه او يافتند، لب به اعتراف گشود؛ دو ستم به نام فرهاد با حنانه در ارتباط بود. او متوجه شده بود حنانه به او خیانت می کند. به همين دليل چند باری با هم درگیر شدند. روز قتل، آنها با هم درگیر شدند.

محکمه

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب معصومه رفعتی فرزندان محمد شفيع به شماره شناسنامه ۶۲۵۴ و کد ملی ۰۰۶۵۸۸۴۲۱۲ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از دانشگاه پیام نور واحد کرج مفقود گردیده و فاقد اعتبار قانونی است. از پاينده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه پیام نور واحد کرج به نشانی: کرج، رجایی شهر، بلوار مؤذن، بلوار دانشگاه، کدپستی ۳۱۴۹۹۶۸۱۳۳ ارسال نمایند.

برگ سبز خودرو هیوندای IX35 مدل ۲۰۱۵ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۵۳-۳۲۵ ق ۷۳ شماره موتور G4KEEU486784 شماره شاسی KMJHU01C9FU015304 به نام محمد حاجی علیزاده مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سیتروئن زانتیا مدل ۱۳۸۱ به رنگ نقره ای سیر متالیک شماره انتظامی ایران ۲۳-۵۴۳ و ۲۳ شماره موتور 2002145 شماره شاسی S1512280102824 به نام اسماعیل صادقی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.